

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: میر مار غالبیت

برگردان از: حمید بهشتی

۲۲ اکتوبر ۲۰۱۲

این دیگر چرا، برادر؟

در باره حملات به صومعه ها و کلیساها در بیت المقدس

این دیگر چرا، برادر؟ اما این بار من پاسخی نداشتم. غالباً می توانم ایرادات را بر طرف کنم و پاسخی کم یا بیش قانع کننده عرضه نمایم، اما این بار زبانم بسته بود، سخنی برای گفتن نداشتم و از شرم نمی دانستم به کجا روم. به دوست خویش که یک پدر روحانی کاتولیک است چه پاسخی باید می دادم، پس از آن کلمات شرم آوری که او به من نشان داد که چند ابله بر سردر صومعه ای متعلق به شاخه فرانسیسکان ها واقع بر کوه صهیون نوشته بودند؟ او از من فقط یک سؤال بسیار برنده ای را پرسید: چرا؟ «چرا، برادر؟» و من پاسخی ندارم.



من البته توضیحاتی برای روند خشونت که در حال حاضر جامعه اسرائیل با آن دست به گریبان است دارم، برای ارتباط تنگاتنگی که میان اعمال خشونت آمیز اشغالگران در مناطق فلسطینی و حملات باندهای دست راستی به

کلیساهای بیت المقدس وجود دارد؛ اما حتماً اگر همه این استدلال‌ها نیز کفایت می‌کردند که به زور و با شرمساری این پیش آمدهای شرم آور را توضیح دهند، با اینحال نمی‌توانند پاسخی برای این پرسش برنده و ساده باشند که «چرا؟»

این است که برای من راه دیگری باقی نماند جز این که در مقابل دوستم بایستم، در حالی که کاملاً خجالت زده و خشمناک بودم از این ابلهانی که درست همانگونه عمل می‌کنند که سایر ابلهان با والدین من در سال‌های دههٔ چهل (۱۹۴۰) در لهستان کردند؛ و من باید همواره از خود بپرسم: چگونه ممکن است که به مسیحیان در اسرائیل اکنون به همانگونه بی‌حرمتی شود که آن زمان به گذشتگان من می‌شد؟ چگونه است که ممکن شده نسلی از افراطیون نژادپرست در بین ما به وجود آید؟ و اگر این توصیف برای برخی‌ها مبالغه آمیز جلوه کند، آنگاه آنها می‌باید برایم توضیح دهند که چرا فقط کسانی را که در اروپا به کنیسه‌ها حمله می‌کنند در قامت نژادپرست و نئونازی بنگریم، اما نه کسانی را که در بیت المقدس به کلیساها حمله می‌کنند؟

اما مقایسه با سامی ستیزان اروپا نادرست است. زیرا آن دستجات در اروپا در اقلیت بوده و حضور حاشیه‌ای دارند، در حالی که همزاد اسرائیلی آنها اکنون در مرکز افکار عمومی قرار داشته و زبان گویای ملت گشته‌اند و کاملاً نیز بدون مجازات عمل می‌کنند، با اطمینان از این که مورد حمایت دولت می‌باشند. مگر می‌شد غیر از این هم باشد، در حالی که یکی از اعضای مجلس اسرائیل به خود اجازه داده است یک جلد از انجیل را تکه پاره کند که در مقابل آن هم دولت فقط به چند جملهٔ منفی بسنده نمود؟

به همین دلیل است که من می‌گویم مشکل به این باندهای نادان خلاصه نمی‌شود: مشکل خود دولت است که در مقابل آن کاری نمی‌کند. و هیأت رسمی رابین‌ها نیز مقصراند که آنها را در آغوش می‌گیرند، در حالی که بسیار کارهای دیگر می‌توانستند انجام دهند، چرا که آن دستجات غالباً به نام مذهب و وطن دوستی عمل می‌کنند. البته اینها چیز تازه‌ای نیست، در این کشور از همان آغاز کار، گروه اندک نژادپرست و دشمن بیگانگانی وجود داشته است، اما از چندی پیش این دستجات نشو و نما داشته و رو به زیاد شدن هستند، یعنی بسیار خطرناکتر گشته‌اند.

و فقط هم مسیحیان نیستند که در سرزمین مقدس در معرض خطر می‌باشند. این دستجات بیش از همه برای یهودیانی که در هجرت می‌زیند خطرناک‌اند. بدین خاطر است که دستجات سامی سنیز در هر کجا که باشند، هنگام مواجهه با اینگونه بی‌حرمتی‌ها، کنیسه‌های موجود در آن جاها را تحت فشار قرار می‌دهند و این کاملاً قابل درک است. آیا آن ابلهان به هنگامی که آن کلمان زشت را بر دیوار می‌نوشتند به عواقبی که برای جوامع یهود در سراسر جهان دارد، اندیشیده‌اند؟ آیا آنها قادر به تصور این هستند که برادرانشان را در سراسر گیتی در چه وضعیتی قرار می‌دهند، هنگامیکه در تینر اول تمامی روزنامجات حمله به صومعه‌ها انعکاس یابد؟



من با برادرانی که از آن رفتارهای زشت گزارش کردند، بودم، رفتارهایی که ماه ها با آنها صورت گرفته بود. برخی از بی حرمتی های وقیحانه سخن گفتند و به برخی دیگر تخم مرغ و سنگ پرتاب شده بود. بدتر از همه داستان برادری است از پیشروان که یک شب پیشتر یک گروه از جوانان مذهبی یهود به او تف می کنند، هنگامی که او در حال گذر از میان شهر قدیمی بوده است و او فقط در پاسخ آنها «خانوکه مبارک باد» که در همین هفته می رسد، گفته بود.

این برای ما بسیار گران تمام می شود. سنت عبری به ما می آموزد که یکی از علل متلاشی شدن عبادتگاه بیت المقدس بی حرمتی به دیگران بوده است. از این استعاره چنین می توان نتیجه گرفت که کشور اسرائیل متلاشی خواهد شد و آنها نه به خاطر دشمنان خارجی بلکه به خاطر فقدان ارزش های انسانی و اخلاقی و این روندی است که با تازگی در کشور ما در حال رشد است. اگر بخواهیم از یک چنین تلاشی پیشگیری کنیم می باید همواره بدین فکر باشیم که همه انسانها و نه فقط یهودیان، خداگونه خلق شده اند و بدینسان به این کشور در حال زوال خرد سالم انسانی و صمیمیت را که به شدت فقداش را حس می کنیم، بازگردانیم.

دکتر میر مار غالبیت تاریخدان و پژوهشگر تاریخ جامعه یهود در فلسطین تحت استعمار انگلیس بوده از مؤسسين کمیته اسرائیلی مخالف انهدام مسکن است. او در آرژانتین چشم به جهان گشود و در ۱۹۷۲ با یک گروه صهیونیست دست راستی عضو جنبش «بتار» به اسرائیل هجرت نمود. وی در زمان خدمت نظام یکی از شهرک های اشغالی را در نوار غزه بنیانگذاری نمود و در سال ۱۹۷۳ در جنگ کیپور مجروح گشت و در دوران نقاهت باورهای خویش را به زیر سؤال برد و به مرور به باور انتقادی چپ رسید. وی از ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۲ به نمایندگی از

حزب چپ صهیونیستی «مرتص» عضو شورای شهر بیت المقدس بوده است. در سال ۲۰۰۸ مجدداً به نمایندگی از مرتص در شورای بیت المقدس عضو گشت و رسماً مسؤول اداره بیت المقدس شرقی (القدس) گشت. او به خاطر مواضع انتقادی شدیدش علیه مواضع ناسیونالیستی و تبعیض آمیز شهردار بیت المقدس، نیر برکت، در قبال فلسطینیان شهرت دارد.



برگرفته از تلاکسکالا- ۱۲ اکتوبر ۲۰۱۲

<http://www.tlaxcala-int.org/article.asp?reference=8399>